

## بررسی فلور قارچی میگوی سفید هندی (*Penaeus indicus*)

### در مزارع پرورش میگو واقع در سایت حله - بوشهر

پریسا حسین خضری

PKHEZRI@yahoo.com

پژوهشکده میگوی کشور، بوشهر صندوق پستی: ۱۳۷۴

تاریخ ورود: آبان ۱۳۸۱ تاریخ پذیرش: اسفند ۱۳۸۲

**لغات کلیدی:** فلور قارچی، میگوی سفید هندی، *Penaeus indicus*، بوشهر

تحقیق حاضر قسمتی از پژوهه «بررسی وضعیت مدیریت پرورش میگو در منطقه حله - بوشهر» بوده که از تیر ماه لغاًیت آبان ماه سال ۱۳۷۸ به مرحله اجرا درآمده است. در این مطالعه ۱۶ گونه قارچی از اندام‌های مختلف میگو جداسازی و مورد شناسایی قرار گرفتند. در همه استخرهای بررسی شده بیشترین آلودگی در پوشش خارجی و آبشش و کمترین میزان آلودگی در همولنف مشاهده گردید. قارچهای جداسازی شده از تمام اندام‌های میگو، در کلیه استخرها از نوع پنی‌سیلیوم، کلادوسپوریوم، آسپرژیلوس نیجر، آسپرژیلوس فلاووس، آسپرژیلوس فومیگاتوس، میسیلیوم استریل، ریزوپوکس، مخمر، فوما، آکرومونیوم، فوزاریوم، آلترناریا تریکودرما و پسیلومایسیس بوده و در همه استخرها جنس پنی سیلیوم دارای بالاترین تراکم بوده و همچنین میزان فلور قارچی در استخرهای مختلف تفاوت معنی‌دار داشته است (۵٪ < p ≤ ۰٪).

بطور کلی عوامل قارچی شناسایی شده در این پژوهش فرصت طلب بوده و ابتلا به بیماری در اثر این عوامل بستگی به وجود استرس‌های وارد به میگو بواسطه سوء مدیریت (نظیر گل آلودگی آب، کمبود اکسیژن محلول در آب و وجود مواد فاسد بویژه غذا در بستر) دارد.

تغییرات شیمیایی و فیزیکی سیستم پرورشی و خارج شدن از محدوده طبیعی و استاندارد، استرس‌های گوناگونی را به میگو تحمیل می‌نماید که این امر موجب کاهش مقاومت میگو در برابر عوامل بیماریزا شده، شیوع بیماری‌های متنوعی را بدنبال خواهد داشت. سابقه شیوع بیماری‌های مختلف و بروز تلفات میگوهای پرورشی در کشور تایوان (۱۹۸۷)، چین (۱۹۹۲) و همچنین تایلند (۱۹۹۵)، مثال‌های بارز پیامدهای عدم رعایت اصول بهداشتی در مزارع پرورش میگو می‌باشدند. در این راستا اولین قدم شناسایی فلور طبیعی و بیماریزا باکتریایی، ویروسی، انگلی و قارچی در میگوهای پرورشی می‌باشد تا براساس یافته‌ها بتوان احتمال بروز خطر را تعیین کرد.

بطور کلی کلیه عوامل استرس‌زا شامل تقدیه نامناسب، تعویض نادرست آب، دستکاری و تراکم بالا و کوددهی نامناسب، عوامل فیزیکی مانند درجه حرارت، نور نامساعد، عوامل شیمیایی مانند pH و شوری بالا، اکسیژن کم، عوامل زیستی مانند حضور ماهی، خرچنگ و پرنده‌گان شکاری در مزرعه پرورشی از عوامل مستعد کننده بیماری محسوب می‌شوند (سلطانی، ۱۳۷۵).

قارچ‌ها دسته‌ای از عوامل بیماریزا میگو هستند که توانایی ایجاد برخی از بیماریها مانند بیماری آبشش سیاه را دارند. گونه‌های فوزاریوم (*Fusarium spp.*) خصوصاً فوزاریم سولانی (*F. solani*) نیز بعنوان ایجاد کننده بیماری آبشش سیاه در میگوهای جوان و بالغ مطرح می‌شوند (راسخی، ۱۳۷۴). در سیستم‌های متراکم و نیمه متراکم به علت تعداد زیاد میگو در واحد حجم و تراکم آن، شیوع و انتشار بیماری‌ها به سرعت رخ می‌دهد. بروز بیماریها با تلفات سنگین در لاروها و بچه میگوها معمولاً بدلیل حساسیت زیاد آنها به عوامل عفونی و غیرعفونی بسیار شایع است و جهت کنترل آنها در این گونه تفریخگاهها از مواد شیمیایی استفاده می‌شود (زرگر، ۱۳۷۷).

هدف از انجام این بررسی، جداسازی و شناسایی فلور قارچی موجود در اندام‌های مختلف میگوی سفید هندی در منطقه حله استان بوشهر بوده است.

مطالعه روی نمونه‌های میگو در ۱۰ استخر از دو مزرعه پرورشی واقع در سایت حله صورت گرفت. نمونه‌برداری میگو از استخرهای تحت بررسی ماهانه یک بار بوده که از تیر ماه ۱۳۷۸ آغاز و تا آبان ماه همان سال ادامه یافت.

میگوهای جمع‌آوری شده درون ظروف حاوی آب استخر قرار داده شدند و بعد از علامت‌گذاری داخل پلاستیک‌های مخصوص حمل نمونه قرار گرفتند و با هواهی و نگهداری در درون تانک حاوی آب و یخ به آزمایشگاه مرکز تحقیقات منتقل گردیدند.

در این بررسی فقط از میگوهای زنده نمونه‌گیری می‌شد. بدین‌ترتیب که در صورت مشاهده علائم ظاهری غیرطبیعی در میگوهای زنده منتقل شده به آزمایشگاه، این علائم در فرم‌های کدگذاری ثبت و سپس از پوشش خارجی، اندامهای حرکتی، آبشش و هپاتونکراس طی شرایط استریل و پس از ضد عفونی نواحی مربوطه با آنس پلاتین نمونه‌برداری می‌گردید. از همولوف نیز توسط سرنگ انسولین نمونه مورد نیاز تهیه و بر روی محیط سابوروژدکستروز SDA کشت داده می‌شد. محیط‌های کشت پس از طی دوره انکوباسیون مورد بررسی قرار گرفته و نمونه‌های منفی ثبت می‌گردید. نمونه‌های مثبت به آزمایشگاه قارچ‌شناسی منتقل و در صورت لزوم پس از تهیه اسلاید و کشت آنها، براساس مشخصات ماکروسکوپیک سلولهای زایشی قارچ و با استفاده از کلیدهای شناسایی نسبت به شناسایی آنها در حد تعیین جنس و در برخی موارد گونه اقدام می‌گردید (Austin & Austin, 1989 ; Willoughby, 1994).

قارچ‌های جداسازی و شناسایی شده از اندامهای مختلف میگو (در ۱۰ استخر مورد بررسی از دو مزرعه) در جداول ۱ و ۲ آورده شده است.

شناسایی عوامل بیماریزا وضعیت بهداشتی جمعیت میگوها را مشخص می‌نماید و چگونگی عملکرد مدیریت مزرعه، شیوع عوامل بیماریزا در یک مزرعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مجدی نسب، ۱۳۷۶). قارچ‌های جداسازی شده در استخرهای تعاونی گروه ۱۶۰ شامل پنی‌سیلیوم، آسپرژیلوس، ریزوپوکس، فوما، آلتئناریا، فوزاریوم، آکرومونیوم و مخمرها بودند. بالاترین و پائین‌ترین میزان آلودگی بترتیب در استخرهای شماره ۲ و ۳ مشاهده شده است.

در استخرهای انتخابی از تعاونی گروه ۲۰۰، قارچ‌های پنی‌سیلیوم، آسپرژیلوس کلادوسپوریوم، آلتئناریا، موکور، تریکوکدرما، پسیلومایسیس و مخمرها جداسازی شدند و استخرهای شماره ۲ و ۴ این مزرعه بترتیب دارای بیشترین و کمترین میزان آلودگی بودند.

جدول ۱: نتایج الودجی فارجی اندامهای مختلف پیکرها برداشته شده از تمازوی ۱۶۰

جدول ۳: نتایج آنودیکی فارچی اندامهای مختلف پیکوک های پرورشی تعلوی ۲۰

استخراج ٥	استخراج ٣										استخراج ١									
	مولدات	بخارجي	أيشن	بخاري	أيشن	بخاري	أيشن	بخاري	أيشن	بخاري	مولدات	بخاري	أيشن	بخاري	أيشن	بخاري	أيشن	بخاري	أيشن	بخاري
جدا مازاري شندہ	٢٧	٢٦	٢٥	٢٤	٢٣	٢٢	٢١	٢٠	١٩	١٨	٢٧	٢٦	٢٥	٢٤	٢٣	٢٢	٢١	٢٠	١٩	١٨
پاچ سلیمانہ	٥	٦	٧	٨	٩	١٠	١١	١٢	١٣	١٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠	١١	١٢	١٣	١٤
کالکو سیبریوں	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠	١١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠	١١
اسپرینٹس	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧
بلورس	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧
آئیزولوس	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧
بوکا کاروس	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧
گونہ ہائی	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧
اسپریزیلوس	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧
مسیلورہ سرپریل	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧
درد روم	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧
حمر	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧
ایڈزیلوس نیکر	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧
زیکورنا	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧
بیٹھونا-سین	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧
موڑا-رام	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧
انورنارا	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٢	١	٠	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧

بطور کلی در بین قارچ های شناسایی شده در این مطالعه، بیشترین فراوانی بترتیب مربوط به پنی سیلیوم ها، آسپرژیلوس ها و کلادوسپوریوم ها بود که جزء فلور طبیعی آب استخراهای پرورشی می باشند. ضمناً کمترین فراوانی مربوط به قارچ های فوزاریوم، آکرومونیوم و موکور بود. همچنین در مجموع کل اندام ها، بیشترین آلودگی بترتیب در پوشش خارجی سپس آبشش و هپاتوبانکراس و کمترین آلودگی در همولنف میگوها مشاهده گردید.

براساس اطلاعات بدست آمده از تجزیه واریانس، اختلاف فلور قارچی در اندام های متفاوت نمونه های میگو در استخراهای مختلف (از هر دو مزرعه) از نظر آماری معنی دار بوده است ( $p < 0.05$ ) و هیچگونه همبستگی معنی داری بین گونه های مختلف قارچی وجود نداشته است.

قارچ های آسپرژیلوس فلاووس، آلتئناریا، فوزاریوم و پنی سیلیوم تولید سم می کنند (زرگر، ۱۳۷۷). میزان این قارچ ها در آب استخر و روی سطح خارجی و آبشش میگو به دو دلیل ممکن است افزایش یابد (۱) معمولاً از غذاهایی که برای انسان دارای ارزش غذایی نیستند برای تغذیه میگوها استفاده می شود و (۲) موادی که برای تغذیه میگوها بکار می روند در مکانها و شرایط گرم و مرطوب انبار می گردند. میگوهایی که در سیستم های نیمه متراکم و متراکم بصورت دستی و توسط مواد غذایی خاص تغذیه می شوند اگر توسط این مواد غذایی (نگهداری شده در محیط های گرم و مرطوب) غذاده شوند بعلت رشد انواع آسپرژیلوسها بخصوص آسپرژیلوس فلاووس، آلوده به آفلاتوکسین شده که با تغذیه میگواز این مواد، سم موجب نکروز توبولهای اپیتیلیوم هپاتوبانکراس می شود (Lightner, 1984). قارچ های ذکر شده روی قزل آلا و میگوهای آب شور و یا سایر آب زیان رشد می کنند و علاوه بر اینکه از ارزش غذایی این مواد می کاهند، با تولید سموم قارچی می توانند آنها را آلوده نمایند. گونه های فوزاریوم، سمی به نام ochratoxin تولید می کنند. بعضی از گونه های آسپرژیلوس و پنی سیلیوم نیز با تولید آفلاتوکسین ها و مايكوتوكسین ها موجب آلودگی مواد غذایی مذکور می شوند (Wu & Salunkhe, 1978 ; Williams & Blaney, 1992).

کپک های فوزاریوم بویژه *F. solani* بعنوان عامل بیماری مهم سخت پوستان ده پا از جمله میگو گزارش شده است. در این جانوران فوزاریوم معمولاً بیماری زای فرست طلب است که به بافت های سطحی

آسیب دیده توسط مواد شیمیایی، جراحات و یا دیگر میکروارگانیسم‌ها حمله می‌کند (Lightner, 1981). بعضی از گونه‌ها مربوط به جنس فوما تولید سیتوکالازین می‌کنند که روی لاروهای میگوی آب شور اثر سمی دارد (Capasso & Euidinte, 1991).

براساس مطالب فوق، از میان قارچ‌های جداسازی شده بایستی به گونه‌های آسپرژیلوس فلاووس، آلترناریا، پنی‌سیلیوم، فوما و فوزاریوم توجه خاصی نشان داد.

هر چند که شرایط محیطی درون استخراها در برخی مواقع خارج از حد مطلوب و استاندارد بوده ولی علائم ظاهری غیرطبیعی که ناشی از بیماریهای قارچی باشد در هیچکدام از استخراها تحت مطالعه دیده نشده است. از طرفی در درجات شوری بالا عوامل فرصت طلب به خوبی رشد می‌کنند که در صورت وارد آمدن استرس به میگوها، این عوامل باعث بیماری میگویند. از آنجایی که شوری آب استخراها بالا بوده، لذا به نظر می‌رسد این عوامل در استخراهای مورد مطالعه فرصت طلب بوده و برخی از آنها نظری گونه‌هایی از آسپرژیلوس یا آلترناریا و فوزاریوم تولید سم داشته و بعضی نیز مانند فوزاریوم و پسیلومایسیس دارای پتانسیل بیماریزایی می‌باشند.

بنابراین بنظر می‌رسد شرایط همزیستی بر عوامل قارچی و میگوها حاکم بوده ولی با وارد آمدن استرس به آبری و کاهش مقاومت آن، این عوامل بصورت یک عامل بیماریزای ثانویه عمل می‌کنند. با کنترل بهداشتی غذای میگو و شرایط نگهداری غذاها می‌توان از افزایش فلور قارچی استخراها و میگوهای پرورشی جلوگیری نمود. بدلیل حجم زیاد و قیمت بالای داروهای ضد قارچ، کاربرد آن در استخراهای پرورشی از نظر اقتصادی مقرن به صرفه نمی‌باشد، از طرف دیگر بعلت اثر متقابل برخی از موجودات زنده آب، امکان کاهش یا حذف اثر دارو و مواد شیمیایی وجود داشته، بنابراین توصیه می‌گردد که برای جلوگیری از بروز بیماریها شرایط محیطی درون اکوسیستم پرورشی بهبود یابد که این کار با کنترل کیفیت آب و رسوب استخرا و تبادلات آبی مناسب میسر خواهد بود.

## منابع

- راسخی، ص.، ۱۳۷۴. بیماری‌های میگوی پنائیده. معاونت تکثیر و پرورش آبزیان. اداره کل آموزش و ترویج. ۵۴ صفحه.
- زرگر، الف، ۱۳۷۷. جداسازی و شناسایی فلور قارچی میگوهای پرورشی ایران در مرحله تکثیر. پایان‌نامه دانشگاه تهران، شماره ۲۵۶۹. ۵۵ صفحه.
- سلطانی، م، ۱۳۷۵. راهنمای پیشگیری و کنترل بیماری‌های میکروبی میگوهای پرورشی. نشر سازمان دامپزشکی. ۳۶ صفحه.
- مجلی‌نسب، ف، ۱۳۷۶. مدیریت بهداشت در استخراهای پرورش میگو. معاونت تکثیر و پرورش آبزیان، اداره کل آموزش و ترویج. ۱۸۰ صفحه.
- Austin, B. and Austin, D.A. , 1989.** Methods for microbiological examination of fish and shellfish. Published by Ellis Horwood limited. pp.240-272.
- Capasso, R. and Evidente, A. , 1991.** Cytochalasins from phaoma exigua var. Heteromorpha phytochemistry. Vol. 30, No. 12, pp.3945-3950.
- Lightner, D.V. , 1981.** Fungal disease of marine crustacea. Pathogenesis of invertebrate microbial diseases in: (Ed. E.W. Davidson). New Jersey, U.S.A., 484P.
- Lightner, D.V. , 1984.** A review of the disease of cultured Penaeid shrimps prawns with emphasis on recent discoveries and development. Proceedings of the first international conference on the culture of penaeid prawn shrimp. Llili city, Philippines. pp.79-103.
- Williams, K.S. and Blaney, B.Y. , 1992.** The potential of moulds to reduce the value of feed stuff proceedings of the aquaculture. Nutrition workshop salamander by

NSW fisheries. pp.205-213.

**Willoughby, L.G. , 1994.** Fungi and fish diseases. Pisco Press. Stirling. 57 P.

**Wu, M.T. and Salunkhe, D.K. , 1978.** Mycotoxin producing potential of fungi associated with dry shrimps. Journal of Appl. Bacteriol. Vol. 45, No. 2, pp.231-238.

## Fungal infection of culture shrimp in Bushehr, southern Iran

Hossein Khezri P.

PKHEZRI@yahoo.com

Iran Shrimp Research Center, P.O.Box: 1374 Bushehr, Iran

Received: November 2002

Accepted: March 2003

**Keywords:** *Penaeus indicus*, Fungus, Bushehr, Iran

### Abstract

In an attempt to assess the shrimp culture management in the south of Iran, we collected samples of the cultured shrimp in two farms during the year 1999, and examined them macroscopically and microscopically. We identified 16 species of fungus infecting the shrimps mostly in outer body layers and the gills and also detected haemolyphatic infection with the fungus in a few cases. In all cases, the *Penicillium* species was the most abundant fungus and the ponds showed a significant difference in the amount of fungal flora contaminating them ( $p<0.05$ ).

We found that the contaminating fungus species were all opportunistic, appearing as a result of stress occurred to the cultured shrimp, water muddiness, low dissolved oxygen concentration and putrefying food left unused at the bottom of the culture ponds. These were all considered to be related to the pond management.